

گفتمان انتقادی و نظامی گنجه‌ای (مطالعه موردی مخزن الاسرار بر اساس نظریه فرکلاف)

ابوالفضل غنی زاده^۱

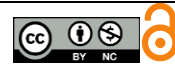
۱. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: a_ghanizade@pnu.ac.ir

چکیده

گفتمان؛ نیرویی است که از رابطه و تعامل سه گانه‌های؛ عقلانیت، ایدئولوژی و قدرت به وجود می‌آید و برای تدابیر سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نورمن فرکلاف، رویکرد انتقادی آن را مبنای تئوری خود قرار داده و معتقد است؛ گفتمان در کنار سایر شیوه‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود. در نگاه وی به کارگیری گفتمان نوعی ستیز با استعمار و سلطه است و پژوهش‌های آن حوزه بیشتر به ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی-استثماری کمک می‌کند. در پژوهش حاضر سطح تبیینی مقالات مخزن الاسرار مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا مشخص شود؛ نظامی گنجه‌ای در تعامل با سلطه چه رویکردی دارد و چقدر در ستیز با استعمار و سلطه و ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی-استثماری کمک می‌کند. در این راستا پس از مقدمه اجمالی، ذکر پیشینه و چارچوب نظری پژوهش نتیجه‌گیری می‌شود که نظامی در مجموعه مقالات مخزن الاسرار (به جز مقاله چهارم) بیشتر به تقویت عقلانیت اخلاقی و توسعه ایدئولوژی دینی می‌پردازد بدون اینکه مشروعیت نظام حاکم را مورد نقد قرار دهد و کاری به انتقاد از سلطه داشته باشد.

کلیدواژه‌گان: نظامی، مخزن الاسرار، فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی، سلطه



شیوه استناددهی: غنی زاده، ابوالفضل. (۱۴۰۴). گفتمان انتقادی و نظامی گنجه‌ای (مطالعه موردی مخزن الاسرار بر اساس نظریه فرکلاف). گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۳(۴)، ۱۶-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ مهر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۸ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۵ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ اسفند ۱۴۰۴

The Treasury of Persian Language and Literature

Critical Discourse and Nezami Ganjavi (A Case Study of Makhzan al-Asrar Based on Fairclough's Theory)

Abolfazl Ghanizadeh^{1*}

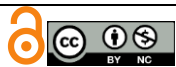
1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: a_ghanizade@pnu.ac.ir

Abstract

Discourse is a force that emerges from the triadic relationship among rationality, ideology, and power, and is employed for political strategies. Norman Fairclough grounds his theory in a critical approach and maintains that discourse, alongside other methods, is used to examine social and cultural changes. From his perspective, the application of discourse constitutes a form of resistance to colonialism and domination, and research in this field primarily contributes to raising awareness of socio-exploitative relations. In the present study, the explanatory level of the discourses in Makhzan al-Asrar is analyzed in order to determine Nezami Ganjavi's stance in interaction with domination, and to assess the extent to which he engages in resistance to colonialism and domination and contributes to awareness of socio-exploitative relations. Accordingly, following a brief introduction, a review of the literature, and the theoretical framework, it is concluded that Nezami, in the discourses of Makhzan al-Asrar (with the exception of the fourth discourse), is primarily concerned with strengthening ethical rationality and developing religious ideology, without critiquing the legitimacy of the ruling system or engaging in criticism of domination.

Keywords: *Nezami, Makhzan al-Asrar, Fairclough, Critical Discourse Analysis, Domination*



How to cite: Ghanizadeh, A. (2025). Critical Discourse and Nezami Ganjavi (A Case Study of Makhzan al-Asrar Based on Fairclough's Theory). *The Treasury of Persian Language and Literature*, 3(4), 1-16.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 September 2025

Revise Date: 18 January 2026

Accept Date: 25 January 2026

Publish Date: 20 February 2026

مقدمه

شاخص یا الگو؛ نمونه ارزنده و فاخری از یک مصداق است که در فرایند رشد و توسعه انتظار می‌رود جامعه هدف، خود را به سطحی از حداقل یا حداکثر آن برساند. در گذشته‌های دور تاریخ بشریت، تعیین شاخص یا مصداق آن به وسیله بزرگان قبایل انجام می‌گرفت بعدها دین، فلسفه و عرفان در این ارزیابی و ارزشیابی‌ها دخالت پیدا کرد و از زمانی که تاریخ به دوران معاصر خود پا گذاشته مسئولیت عمده این مهم سرنوشت‌ساز به علم و هنر واگذار شده است.

شاعران تنها گروه مرجعی هستند که، به مراتب سطح معرفتی و مبانی فلسفی جوامع، از گذشته‌های بسیار دور در تعیین پارادایم‌های رشد و توسعه جوامع نقش مؤثری داشته‌اند. آثار برجای مانده از دوران طفولیت ملت‌ها؛ دورانی ایلاتی- خرافی که افسانه و افسون زندگی آن‌ها را مدیریت می‌کرد مؤید این موضوع است که شاعران به دلیل برخورداری از انگیزتگی شاعرانه و حس برتر در آفرینش سخن و عبارت‌های نغز مورد احترام و مرجع تصمیم و اندیشه بوده‌اند. این گروه در صورت برخورداری از سایر مؤلفه‌های قدرت؛ از قبیل زور بازو و پشتوانه قبیله‌ای و ... در زمره سران قبایل یا در جایگاه عالی‌ترین مقام سیاسی- اجتماعی هم قرار می‌گرفتند (1).

بر اساس مستندات تاریخی که در حوزه زبان و ادبیات فارسی در اختیار قرار دارد می‌توان گفت: شاعران و نویسندگان، هستی اجتماعی مطلوبی داشته‌اند و بر اساس نیاز و علاقه حاکمان وقت به فراخور شرایط و ساختار حکومتی، در حوزه زیبایی‌شناختی یا تولید فکر و استحکام تصمیم، مستقیم یا غیرمستقیم، نقش مؤثری داشته‌اند. به گواهی تاریخ، تراز سیاسی- اجتماعی بسیاری از آن‌ها حتی در حد وزارت و صدارت هم قرار داشته است (2) و برخی دیگر از دور یا نزدیک در ترویج و تنظیم اخلاق، رشد عقلانیت برای ارتقای سطح معرفتی جامعه کوشیده و در زمینه‌های

زیبایی‌شناختی، ثبت دموکراتیک تاریخ و کنترل شناختمان حاکمیت و ... فروگذار نبوده‌اند. بررسی زندگینامه، خاطرات، تحلیل اشعار، مطالعه تاریخ و ... مشخص می‌کند که اغلب شاعران آذربایجانی؛ از قبیل خاقانی، قطران، صائب تبریزی و ... باینکه از گروه دوم بوده‌اند؛ تأثیرگذاری بالایی در تولید پارادایم‌های معرفتی جامعه داشته‌اند (3).

نظامی گنجه‌ای که در این نوشته، پارادایم‌های معرفتی و اخلاقی وی در مقالات و داستان‌های مخزن‌الاسرار مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد از زمره شاعران گروه دوم بوده است.

این تحقیق سعی می‌کند تا به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- ۱- در مقالات مخزن‌الاسرار کدام یک از نقش‌های؛ تحریری، اقناعی و احساسی گفتمان فراوانی بیشتری دارد؟
- ۲- در مقالات مخزن‌الاسرار کدام یک از کارکردهای؛ اجباری، انتقادی، استتاری و مشروعیتی گفتمان فراوانی بیشتری دارد؟
- ۳- در مقالات مخزن‌الاسرار در تعامل با سلطه قدرت، چقدر همراهی یا مخالفت به چشم می‌خورد؟
- ۴- مخزن‌الاسرار در چه سطحی از گفتمان انتقادی قرار دارد؟

روش پژوهش

جستار حاضر به روش تحلیل محتوا؛ یکی از شیوه‌های متداول روش کیفی انجام گرفته است. همان «پژوهشی کیفی که دانش را در درجه اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی یا مطالعه جدی و عمقی موارد و سپس عرضه این داده‌ها به استقراء تحلیلی فراهم می‌آورد.» (4)

چارچوب نظری

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نظر او، تحلیل گفتمان روشی است که در کنار سایر شیوه‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و مرجعی است که در ستیز با استعمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲- سطح تفسیر؛ سطح دوم گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن.

۳- سطح تبیین؛ سطح سوم به عنوان سطح کلان که گفتمان به مثابه زمینه عمل می‌کند.

مرحله توصیف به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان فارغ از نقش زمینه می‌پردازد. مرحله تفسیر به روابط موجود بین روندهایی می‌پردازد که باعث تولید و درک این گفتمان می‌شود و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است. مرحله تبیین نیز گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می‌کند.

در پژوهش حاضر سطح تبیینی مقالات مخزن الاسرار مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا مشخص شود نظامی گنجه‌ای در تعامل با سلطه چه رویکردی دارد و چقدر در ستیز با استعمار و سلطه و ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی - استثماری کمک می‌کند؟

نقد و بررسی

مخزن الاسرار

این کتاب مشتمل بر حدود دو هزار و دویست و شصت بیت است و شاعر آن را به فخرالدین بهرام شاه بن داوود؛ پادشاه ارزنگان تقدیم نموده است. بهرام شاه نیز در برابر این تحفه پنج هزار دینار و پنج سر استر رهوار به نظامی جایزه داد. این سروده مردم را به خودشناسی، خداشناسی و گزینش ویژگی‌های پسندیده اخلاقی فرامی‌خواند و در بحر سریع مسدس (مفتعلن مفتعلن مفتعل) سروده شده است (7).

مخزن الاسرار نظامی منظومه‌ای است حکمی - اخلاقی و تا حدودی عرفانی که بر سه بخش قابل تقسیم است: الف - مقدمات سنتی از قبیل توحیدگویی، مناجات، مدح و ...

ب - محتوای عرفانی و شامل توصیف دل، خلوت و ثمرات آن و ...

فرکلاف معتقد است تلاش‌های اولیه در مورد زبان‌شناسی انتقادی به اندازه کافی برکنش‌های تغییر مخاطبان تمرکز نداشته است. او مدعی است فعالان حوزه زبان‌شناسی انتقادی در اغلب موارد در کارهای خود بر این پیش‌فرض بودند که مخاطبان متون را دقیقاً به همان روش تحلیلگر تفسیر می‌کنند و مطالعات اولیه در حوزه زبان‌شناسی انتقادی بیشتر حول محور تحلیل‌گرایی و لغوی بوده است و به تحلیل بینامتنی متون توجه بسیار کمی کرده‌اند.

تحلیل زبان‌شناختی بر اجزای جمله تمرکز زیادی داشته است؛ درحالی‌که به سازمان‌های سطح بالاتر از کل متن بی‌توجه بوده است (5). به این دلیل بود که فرکلاف در مطالعات اولیه خود رویکردش را درحوزه زبان و گفتمان، مطالعه زبان انتقادی نام نهاد. او هدف این رویکرد را کمک به ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی - استثماری دانست که از طریق ایجاد تمرکز بر زبان، این روابط را تعریف می‌کند (5).

فرکلاف بر این باور است در متن مجموعه‌ای از عناصر هست که علاوه بر اینکه به یکدیگر مرتبط‌اند، کلیتی را می‌سازند که به آن گفتمان می‌گویند. متن در درجه اول به آن کلیت وابسته (5) است. در نگاه وی متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است که در فرایند تولید و تفسیر متن مؤثرند. فرایند تولید و تفسیر دارای تعامل و کنش دوسویه‌اند و در نتیجه همدیگر را متأثر می‌کنند. هر متنی علاوه بر بافت متن و فرایند تفسیر آن از شرایط اجتماعی متأثر است که متن در آن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی تأثیری بیشتر نسبت به بافت متن و فرایند تولید و تفسیر آن دارد (6).

فرکلاف تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند.

سطوح گفتمان از نظر وی عبارت است از:

۱- سطح توصیف؛ سطح اول گفتمان به مثابه متن.

ج-مقالات و داستان‌هایی که حاوی مطالب اخلاقی و دینی است (8).

مخزن الاسرار در دوره‌ای سروده شده که ساختار حکمرانی جامعه تک صدایی - دینی است. نظامی در محتوای مقالات آن بیشتر بر اصلاح اخلاقیات و رعایت حال ضعفا و رعیت تأکید دارد و از رویکرد انتقادی مدنظر فرکلاف که به ایجاد آگاهی در روابط اجتماعی - استثماری بپردازد و ستیز با سلطه را گفتمان سازی نماید خبری نیست. از مجموع بیست مقاله مخزن الاسرار؛ به ترتیب پانزده مورد آن دارای گفتمان اخلاقی، سه مورد اخلاقی-اصلاحی، یک مورد انتقادی محض و یک مورد بدون گفتمان تحلیل شده است.

اخلاقی - اصلاحی

مقاله اول

در مقاله اول به تقویت عقلانیت اخلاقی برای توسعه ایدئولوژی دینی و تحکیم قدرت تلاش می‌شود و کارکرد مشروعیت افزایی دارد ولی داستان تالی آن نقش تحریری و اقناعی به عهده دارد با انتقاد غیرمستقیم بدون اینکه به مشروعیت قدرت لطمه‌ای بزند پیش می‌رود.

نظامی در این مقاله در هفتاد بیت به جریان آفرینش آدم ابوالبشر و فرایند هبوط ایشان اشاره داشته و در پایان برای نوع بشریت وظیفه خداپرستی را تکلیف می‌کند. از این بابت که آفرینش نخستین قدم برای ورود به زندگی است اهمیت می‌یابد؛ البته نظامی که مباحث کتاب را با آفرینش آدم شروع کرده از کتب پیشینان پیروی شده است.

در بحث هبوط سختی و سنگینی وجود دارد اینکه آدم بهشت را براحتی از دست داده و گرفتار درد و رنجهای زندگی زمینی شده است سرنوشت خوشایندی نیست به همین خاطر نظامی تلاش دارد انتهای بحث را به سمت امید و خوشایندی بکشد؛ بنابراین در دو بیت پایانی که به نوعی سرمشق، موجبه کلیه یا کبرای داستان بعدی است بر امیدواری انسان به فضل خداوند تأکید می‌کند:

نیکی او بین و بران کار کن - بر بدی خویشتن اقرار کن / چون تو خجل‌وار بر آری نفس - فضل کند رحمت فریادرس (9).

بر اساس آیات یادشده، برخورداری از فضل خداوندی به مقدار خجلی و تضرع انسانی بستگی دارد به عبارت دیگر برخورداری از رحمت و فضل الهی به تواضع و قبولی ناتوانی انسان وابسته است.

موضوع داستانی که بعد از مقاله اول در بیست‌وسه بیت سروده شده، حکایت پادشاه نومید و آمرزش یافتن اوست. در فرایند سروده ماجرای پادشاه بیدادگری مطرح شده که بعد از ناامید شدن از همه کائنات به رحمت خداوند روی می‌آورد و از فضل الهی برخوردار می‌گردد. امید کلمه کلیدی زندگی انسانی است و به آن معنا می‌دهد. انسان باید چشمداشتش به خدا باشد و گرنه نتیجه مطلوبی عایدش نخواهد شد. گاهی کاینات برای اینکه قاعده صحیح امید داشتن را به انسان بفهماند به آزمونهای سخت و صعبی گرفتارش می‌کند. نظامی برای تفهیم این موضوع، از بالاترین مقام کشور مثال می‌زند و امید بیجا و نومیدی پادشاه را مایه عبرت دیگران قرار می‌دهد. وقتی عالی‌ترین مقام حکومت در چنین شرایطی قرار می‌گیرد وضعیت پایین‌ترین دست‌انجامه به طریق اولی مشخص است.

چون خجلم دید ز یاری‌رسان - یاری من کرد کس بیکسان (9).

رمز برخورداری از رحمت الهی، قبول ناتوانی و ابراز نیاز حقیقی انسان به فضل الهی است. دعا و تضرع ظاهری به نتیجه نخواهد رسید.

مقاله دوم

این مقاله با نقش تحریری - اقناعی و کارکرد اصلاحی - انتقادی، عقلانیت اخلاقی - انتقادی را در دل ایدئولوژی دینی تقویت می‌کند و تأیید قدرت با حفظ مشروعیت نظام را در پی دارد.

نظامی عنوان مقاله دوم را " در عدل و نگهداری انصاف " قرار داده است؛ در سیزده بیت آغازین به مقام شامخ انسانی اشاره کرده

مقاله سیزدهم در مجموع بیست و هشت بیت دارد و با عنوان "در نکوهش جهان" سروده شده است. نظامی در این سروده با نگاه سلبی به نکوهش جهان پرداخته است.

رعایت ارزش‌های اخلاقی به عنوان خصیصه بارز حکمرانی یکی از ارکان مشروعیت به شمار می‌رود. نظامی در این مقاله دنیاپرستی را به عنوان شاخص مهم برشمرده و غیر مستقیم ذهن مخاطب را به سمت مقایسه و قضاوت سوق می‌دهد.

در تالی این مقاله داستانی با عنوان "حاجی و صوفی" سروده شده است که چهل و شش بیت دارد و از نظر کمی از خود مقاله تعداد بیتش بیشتر است و از نظر محتوایی آخرین بیت مقاله که ذائقه تند نکوهشی در خود دارد تفسیر و تبیین می‌کند:

کیست که این دزد کلاهش نبرد- افت این غول ز راهش نبرد
(9)

تالی مقاله ناخواسته افراد مطرح جامعه مخصوصاً آنهایی را که در حوزه دین و حکومت شهرت دارند در ذهن مخاطب وارد مقایسه و قضاوت کرده است.

انتقادی

مقاله چهارم با نقش تحریری-اقناعی و کارکرد انتقادی در جهت تقویت عقلانیت انتقادی در دل ایدئولوژی دینی قرار دارد و مشروعیت نظام تدبیر را مورد نقد قرار می‌دهد.

مقاله چهارم

نظامی عنوان مقاله چهارم را در بیست و دو بیت "در رعایت از رعیت" قرار داده است؛ هشت بیت آغازین این داستان بر، فریب دنیا را نخوردن، بی‌وفایی عمر و مالکیت آدمی، مرگ و مردانگی تأکید دارد با بیت نهم نظامی وارد گزاره اصلی سروده شده و بر عدالت و رعایت آن اصرار می‌ورزد:

گردن عقل از هنر آزاد نیست- هیچ هنر خوب‌تر از داد نیست (9)
عدالت جزء لاینفک زمامداری است که یک طرف آن مردم و طرف دیگران کارگزاران قرار دارند. در تاریخ سیاست (در معنای مدیریت

سپس به ترتیب بقیه چهل و چهار بیت را به تواضع، داشتن دل‌خدایی و ترجیح دین بر دنیا تأکید داشته است بعد از بیت بیست و هشتم انسان را به پرهیز از ستمکاری و رعایت عدالت فرامی‌خواند.

عدالت در جوامع انسانی ترازوی ارزیابی کارآمدی حکومتها و چشمداشت انسانها است. در تاریخ توصیه‌های اخلاقی به حکومتها بحث عدالت همواره مورد توجه بوده است. عدالت و انصاف مهمترین نقش در افزایش مشروعیت حکومت هاست. از دیدگاه نظامی، عدل و انصاف مهمترین نقش در افزایش رضایت روانی مردم یک جامعه دارد.

در بیت‌های میانی مقاله دوم، مراقبت قلبی مورد تأکید است در نگاه وی، دل جایگاه تجلی الهی است در تزکیه آن باید کوشید حتی وجود غرور و خودپسندی آفت و آلودگی قلبی در پی دارد. توجه به دنیا سعادت حقیقی را از زندگی دور می‌کند.

داستانی که در تالی مقاله دوم در چهل و هشت بیت سروده شده، "حکایت نوشیروان با وزیر خود" نام دارد که در فرایند آن گفتگوی خواستگاری رخ داده و شیربهای مورد مطالبه نکاح گزاره پایه‌ای است که بر بیدادگری پادشاه تأکید دارد:

دختری این مرغ بدان مرغ داد- شیربها خواهد از بامداد/ کائن ده
ویران بگذاری به ما- نیز چنین چند سپاری به ما/ آن دگرش گفت:
کزین درگذر- جور ملک بین و برو غم مخور/ گر ملک این است
نه بس روزگار- زین ده ویران دهمت صد هزار (9)

در تالی مقاله ناکارایی حکومت مد نظر قرار گرفته است. آبادانی و عمران کشور یکی از نشانه‌های کارایی حکومت و نمونه بارز کارایی بشمار می‌رود. ویرانی روستاها که نظامی در تالی مقاله مدنظر قرار داده مستقیماً دلالت بر ناکارایی دراد و به مشروعیت زدایی از حکومت مستقر بر می‌گردد.

مقاله سیزدهم

نیک اختیار کردن تأکید دارد. در دو بیت پایانی که سرمشق داستان تالی قرار گرفته است نظامی نوع بشریت را بر وفاداری و ادب فرامی خواند:

تخم ادب چیست؟ وفا کاشتن - حق وفا چیست؟ نگه داشتن / برزگر
آن دانه که می پرورد - آید روزی که از آن بر خورد (9)

داستانی که در تالی مقاله سوم در سی و یک بیت سروده شده، "حکایت سلیمان با دهقان" نام دارد. در فرایند داستان ماجرای برزگری به سخن آمده است که از روی امید و ایمان بذر به زمین تشنه و بی آب می پاشید:

با تر و با خشک مرا کار نیست - دانه ز من پرورش از کردگار ...

دانه به انبازی شیطان مکار - تا ز یکی هفت صد آید به بار (9)
جنبه تعلیمی مقاله عناصر مهم اخلاق دینی را در بر دارد. توصیه اخلاقی در روح جامعه تأثیر مثبت دارد. رعایت اخلاق بیشتر از رعایت قانون آرامش و آسایش را متوجه جامعه می سازد. داستانی که در تالی مقاله سروده شده به تلاش و فعالیت تأکید دارد این روند از سستی و تبلی جامعه می کاهد و اگر این فرایند توأم با ایمان شود بر امید زندگی و اعتماد اجتماعی یک جامعه می افزاید.

مقاله پنجم

"در وصف پیری" عنوانی است که بر مقاله پنجم نظامی نهاده شده است؛ محتوای سروده در چهل و هفت بیت بر گذر عمر، افول قهری رونق جوانی، ناکارایی و مشکلات پیری و از همه مهم تر کجتابی روزگار اصرار می ورزد. نظامی بر تضمین معاش دوران پیری تأکید بیشتری دارد:

از پی مثنی جو گندم نمای - دانه دل چون جو و گندم مسای /
نان خورش از سینه خود کن چو آب - وز دل خود ساز چو آتش
کباب / خاک خور و نان بخیلان مخور - خاک نه ای زخم بخیلان
مخور (9)

خود مقاله آینده نگرانی در خود دارد. تلاش روزانه توأم با ذخیره مالی برای تأمین مایحتاج دوران پیری؛ دورانی که توان جوانی از

قدرت) اساسی ترین معیار ارزیابی حکومت ها و تعیین وزن مشروعیت آن از طریق عدالت بوده است. در دیدگاه مردم نسبت به قدرت حکمرانی عدالت همواره مورد نقد و انتقاد بوده و مطالبه آن هیچ وقت از نفس نیفتاد است.

داستانی که در تالی مقاله چهارم در سی و شش بیت آمده "داستان پیرزن با سلطان سنجر" نام دارد؛ در محتوای این سروده نظامی از زبان پیرزن مهمات ضروری و اولویت دار یک حکمرانی را به قلم می آورد. عدالت و رعایت حال ضعیفان جامعه، ترس از قیامت و از همه مهم تر مسئولیت اصلی یک حکمران در محتوای ابیات گوشزد شده است:

شاه که ترتیب ولایت کند - حکم رعیت به رعایت کند... شاه بدانی
که جفا کم کنی - گر دگران ریش تو مرهم کنی... گوش به دریوزه
انفاس دار - گوشه نشینی دو سه را پاس دار (9)

در فحوای تالی داستان نظامی تأکید دارد: حاکم همواره باید از کوچکترین مشکلات ناتوان ترین افراد جامعه خبر داشته باشد. در احکام صادره نهایت دقت را داشته و همواره موجبات التیام درد و رنجها را فراهم سازد. عدالت همواره نصب العین کارگزاران جامعه باشد. رعایت عدالت رکن رکن مشروعیت یک حکمرانی است.

اخلاقی

از مجموع مقالات مخزن الاسرار، پانزده مورد آن (۳-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰) با نقش تحریری - اقناعی و کارکرد اجبار در جهت تقویت عقلانیت اخلاقی قرار دارد بدون اینکه مستقیماً با مشروعیت و نقد نظام کاری داشته باشند.

مقاله سوم

نظامی عنوان مقاله سوم را در چهل و یک بیت "در حوادث عالم" قرار داده است؛ در محتوای سروده به غیر چند بیت آغازین که نظامی در آن ها مخاطب خود را به تواضع، عاقبت اندیشی و راحت رنجور بودن فرامی خواند بقیه ابیات به صورت تمثیلی یا کنایه ای بر ناپایداری تعلقات دنیوی، عدم غفلت، داوری روز قیامت و صحبت

نباید نادیده گرفته شود. عزت نفس انسان بسیار اهمیت دارد باید همواره به آن توجه شود.

داستانی که در تالی مقاله ششم آمده، "داستان سگ و صیاد و روباه" نام دارد و نظامی در چهل و شش بیت در قالب گفتگو میان صیاد و روباه بخش آخر مقاله را تفسیر می‌کند؛ البته بعد از طرح تمثیلی موضوع در بیست و هفت بیت اول، در بقیه داستان به ذکر سایر توصیه‌های اخلاقی می‌پردازد.

شاد دلم زآنکه دل من غمیست-کامدن غم سبب خرمی است (9) نظامی در تالی داستان به دوری از سستی و تزلزل اعتقاد و بر استواری ایمان تاکید دارد. استواری در مسیر زندگی اگر اعتقاد با توکل به خدا پشتیبانی شود هدف دست یافتنی خواهد شد.

مقاله هفتم

مقاله هفتم با عنوان "در فضیلت آدمی بر حیوانات" در چهل و یک بیت سروده شده است. نظامی در شش بیت آغازین لطف مضاعف که در آفرینش انسان به خرج رفته است گوشزد می‌کند سپس وظایف و تکالیف وی را برمی‌شمارد. بعد از بیت بیست و هشت بر ریاضت و کنترل نفسانی تأکید کرده و یاریگری عقل و طبیعت را پیامد آن می‌داند.

داستانی که برای استناد مقاله هفتم در بیست و یک بیت سروده شده است "فریدون با آهو" نام دارد. نظامی این سروده را برای آخرین بیت مقاله تمثیل استنادی قرار داده و نتیجه می‌گیرد داشتن رابطه با ارباب قدرت پیامد سازنده‌ای در بر خواهد داشت.

هست حقیقت نظر مقبلان- درع پناهنده روشندان (9)

در مراودات انسانی مدیریت قضاوت دیگران اهمیت بالایی دارد. در فرایند قضاوت چگونه دیده شدن اهمیت دارد هرچند با چگونه بودن فرد فاصله داشته باشد. نظامی در مرواده با حوزه قدرت اصالت را به نوع نگاه و قضاوت صاحب قدرت می‌دهد. سبک رفتاری دیگران با دیدگاه ارباب

وجود رخت بر بسته است مرود تاکید نظامی است. آینده نگری در دوران جوانی تدبیر مهم زندگی است.

داستانی که در تالی مقاله پنجم در نوزده بیت آمده "داستان پیر خشت‌زن" نام دارد.

گزاره پایه سروده، استقلال مالی و تکیه بر دسترنج، اشتغال و درآمد فردی است. نظامی در گفتگویی که میان مرد جوان با پیر خشت‌زن، راه انداخته با صراحت و وضوح بر این نکته و اولویت تأکید می‌ورزد:

دست بر این پیشه کشیدم که هست- تا نکشم پیش تو یگروز دست / دستکش کس نیم از بهر گنج- دستکشی می‌خورم از دسترنج (9).

داشتن مهارتی که نیازهای زندگی را تامین کند اولویت زندگی است. از نگرانی فردی و وابستگی و طفیلی بودن می‌کاهد. جامعه‌ای که افراد آن به مهارت و دسترنج خود تکیه کنند جامعه پویا و مانایی خواهد بود.

مقاله ششم

"در اعتبار موجودات" عنوانی است که بر مقاله ششم نهاده شده است. نظامی در این مقاله در چهل بیت انسان را گزاره اصلی فلسفه آفرینش معرفی کرده و آن را در چهار بخش موضوعی قابل تقسیم ارائه کرده است؛ الف- لعبت‌بازی پشت پرده خلقت است ب- سایر موجودات مأموریت خلقت یافته‌اند تا در خدمت انسان باشند ج- این انسان باید خود را از این قفس طبیعت برهاند و در خدمت دل باشد د- تحمل سختی، رنج و غم مقدمه دستیابی به راحتی و آسودگی است.

در سفری کان ره آزادی است- شهنه غم پیشرو شادی است (9) نظامی غم و رنج را جزوی از زندگی می‌داند و تأکید می‌کند انسان باید آن را به عنوان مقدمه راحتی و آسایش بپذیرد و کنار بیاید. توجه به مادیات صرف همه زندگی نیست بخش معنوی زندگی

تنظیم می‌شود. خوب نشستن در دیدگاه قضاوتگر نتیجه قضاوت را مصادره کردن است.

مقاله هشتم

عنوان مقاله هشتم "در بیان آفرینش" است نظامی در این مقاله پنجاه و هشت بیتی بحث را از عدم شروع کرده و راجع به قبل از خلقت بنی بشر اشاراتی دارد در بیت ده به صراحت اعلام می‌کند قبل از خلقت انسان دوران خوشی بر فضا حاکم بوده است. در بیت بیست و دو انسان را مسبب تمام سختی‌های طبیعت معرفی می‌کند بعد از بیت سی و سه تا انتهای مقاله به توصیه‌های اخلاقی- رفتاری می‌پردازد.

داستانی که برای مقاله هشتم تمثیل استنادی است "داستان میوه فروش با روباه" نام دارد. نظامی این سروده را در هشت بیت برای تفسیر و تبیین آخرین بیت مقاله قرار داده و تأکید کرده است موجودات از طریق هم‌رنگ نمایی می‌توانند در یکدیگر نفوذ کنند. هر بد و نیکی که درین محضرند- رنگ پذیرنده یکدیگرند (9) اثرپذیری کلمه کلیدی داستان تالی است. نظامی در این سروده تمام رفتارهای انسانی را حاصل کنش و واکنش می‌داند. افراد جامعه در اثر تعامل بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و سبب ظهور و بروز رفتارهای یکدیگر می‌شوند. با این توصیف هر عملی عکس العملی در پی دارد و رفتارهای نیک و بدی که افراد جامعه انجام می‌دهند نتیجه تأثیر و تأثر تعاملات و مراوده‌های زندگی است.

مقاله نهم

مقاله نهم مخزن الاسرار "در ترک مئونات دنیوی" نام دارد. نظامی در این سروده پنجاه و یک بیتی بیشتر روی سبک زندگی و توصیه‌های رفتاری- اخلاقی تأکید کرده است.

نظامی در داستان زاهد توبه‌شکن که در تالی مقاله در هفده بیت سروده شده یک حکم رفتاری صادر کرده و گوشزد نموده است که انسان نباید رفتارهای خود را نتیجه قضا و قدر الهی بداند و دایره زندگی‌اش را جبرآلوده سازد. رعایت اخلاقیات اجتماعی به

نفع فرد انسانی است و به حال قضاوتگر تأثیری ندارد. این داستان در تبیین آخرین بیت مقاله سروده شده است:

عذر ز خود دار و قبول از خدای- جمله ز تسلیم قدر در میای (9)
حس مسئولیت در قبال کارهایی که انجام می‌دهیم جامعه را با نظم و نظام و قانونمندی همراه می‌سازد. اگر بخش کوچکی از رفتارهای انسانی نتیجه جبر دانسته شود مسئولیت کنار می‌رود و بی قانونی حاکم می‌شود و مدیریت ناپذیری جامعه را فرا می‌گیرد. جامعه شفاف و درست جامعه‌ای است از قانون پیروی می‌شود و هر کس مسئولیت کاری را که انجام می‌دهد بر عهده می‌گیرد.

مقاله دهم

مقاله دهم آخرالزمان و واقعه قیامت را در پنجاه و شش بیت به ترسیم کشیده است و "در نمودار آخرالزمان" نام دارد. نظامی در این مقاله بیشتر توصیه‌های اخلاقی- کلامی می‌کند و با استفاده از مبنای دینی بر سبک زندگی اخلاقی انسان تأکید دارد. بیشتر ابیات این سروده بر "خودحساب بودن" انسان تأکید می‌کند.

داستانی که در تالی مقاله دهم در هجده بیت آمده است "داستان عیسی" نام دارد و تمثیل استنادی است که آخرین بیت مقاله را تفسیر و تبیین می‌کند. نظامی در این سروده از مخاطب خود می‌خواهد تا در گزاره‌های استدلال و استنادی خود از جزءنگری بپرهیزد. برای قضاوت درست فقط قسمت خالی لیوان را استناد قرار دادن کافی نیست

زاغ که او را همه تن شد سیاه- دیده سپید است درو کن نگاه (9)
وقتی راجع به کار و رفتاری قضاوت می‌شود باید جمیع جوانب و جهات مد نظر قرار گیرد و گرنه قضاوت نادرست انجام می‌شود. جزئی نگری، سوگیری، یکجانبه نگری و دخالت دادن حس شخصی در ارزیابی و استدلال‌ها نتیجه قضاوت را نادرست می‌کند.

مقاله یازدهم

زندگی قرار می‌دهد و عواقب خارج از عقلانیت جبران ناپذیری را متوجه زیست انسانی می‌سازد.

در تالی مقاله دوازدهم داستانی با عنوان "دو حکیم متنازع" سروده شده است نظامی این سرودهٔ چهل‌ودو بیت را استناد تمثیلی قرار داده است برای آخرین بیت مقاله؛

تا بتوان از دل دانش فروز- دشمن خود را به گلی کش چو روز
(9)

نظامی در این داستان در حوزهٔ فلسفه بر رویکرد وظیفه‌گرایی تأکید کرده است و همچنین ترسیم نموده است که شناخت درونی انسان بر تعین آگاهی سایر موجودات تأثیر دارد.

مقاله چهاردهم

مقاله چهاردهم در چهل‌وچهار بیت با عنوان "در نکوهش غفلت" سروده شده است. نظامی در این ابیات بیشتر بر عقل و به‌کارگیری آن تأکید می‌ورزد. از بیت بیست‌وشش تا سی‌وهشت انسان را برای دوری‌گزینی از سایه و رسیدن به خورشید و منشأ پاکی فرامی‌خواند سپس به روز حسابرسی و راست‌کرداری تأکید می‌ورزد.

تقویت حوزه شناخت، تنظیم امور زندگی بر اساس عقلانیت اخلاقی و اساس قرار دادن اصل تعهد و تکلیف با اعتقاد به افق رسیدگی و حسابرسی محورهای اساسی مورد تأکید نظامی است. چهارگانه‌های برشمرده شده فوق هرچند از مصدر ادبیات دینی - تعلیمی ر سرچشمه می‌گیرد بنوبه خود ساختار فلسفی به خود دارد و فضیلت‌گرایی را افق زیستی قرار داده است.

داستان تالی با عنوان "پادشاه ظالم با مرد راست‌گو" که بعد از مقاله چهاردهم در بیست‌وهفت بیت سروده شده است آخرین بیت مقاله را تفسیر می‌کند:

ز آتش تنها نه، که از گرم و سرد- راستی مرد بود درع مرد (9)
راستی مدنظر تالی داستان همان درستکاری است. نظامی راستی را پایه اساسی اخلاق می‌داند و معتقد است راست پیشه بودن تمام

نظامی در مقاله‌ای که "در بی‌وفایی دنیا" نام دارد در سی‌وچهار بیت بر ناپایداری دنیا تأکید کرده و انسان را به فکر تأمین توشه آخرت فرامی‌خواند. بیشتر توصیه‌های این سروده حول دنیا زدایی است.

"داستان موبد صاحب‌نظر" که تالی مقاله یازدهم است در بیست‌وپنج بیت، تمثیل استنادی آخرین بیت آن واقع شده است:

منزل فانی است قرارش نبین- باد خزان است بهارش مبین (9)
نظامی در این داستان اخلاقی بر تغییر و ناپایداری دنیا تأکید می‌کند و آن را برای دوستی پایدار و ابدی لایق نمی‌داند.

انسان برای جاودانگی خلق شده است؛ گاهی چنان تصور می‌کند که این جاودانگی به این دنیا تعلق دارد بر این اساس آرزو و آرمان برای خود می‌سازد ولی از آنجایی که جاودانی به دنیای دیگر که پس از مرگ پیش رویش است تعلق دارد بعد از مدتی متوجه این ناپایداری می‌شود. نظامی و عموماً ادبیات دینی- تعلیمی این موضوع را به انسان گوشزد می‌کند که تا فرصت هست زندگی را با شاخص جاودانگی آخرت سپری کند.

مقاله دوازدهم

این مقاله "در وداع منزل خاک" نام دارد. نظامی در بیت آغازین آن را فصل‌الخطاب قرار داده و سی‌ودو بیت بعدی آن را به توصیه‌های اخلاقی- رفتاری پرداخته است. در این سرودهٔ چهل‌وشش بیت بیشتر روی سبک زندگی و شیوهٔ پرهیزگاری تأکید شده است.

اعتقاد به ناپایداری این جهانی بر سبک زندگی انسانی تأثیر منفی دارد. وجود جهان آخرت و محاسبه رفتاری در آخرت و جزا و پاداش مترتب آن باعث نظم اجتماعی و سبب محاسن رفتاری و فضیلت‌های اخلاقی می‌شود. نگاه تک بعدی به زندگی و تجسم اینکه همه چیز در این دنیا به پایان می‌رسد و حساب و کتابی آخرتی در کار نیست توسعه اصل قدرت و لذت فردی را مبنای

جنبه‌های زندگی اعم از جنبه فردی و اجتماعی را سعادت می‌بخشد. توجه به فضیلت‌ها و پرهیز از رفتارهای ناروا و بی ارزش سرانجام خجسته‌ای را برای فرد و جامعه رقم می‌زند.

مقاله شانزدهم

عنوان مقاله شانزدهم "در چابکروی" است؛ نظامی در این سروده رویکرد توصیه و اندرز گرفته است و در چهل‌ونه بیت نسبت به سبک زندگی، رعایت اخلاقیات، کسب فضایل و بایدونبایدهای لازم بشری چیزی فروگذاری نکرده است.

چابکروی در معنای حقیقی همان تندروری و چالاکي در راه رفتن است. نظامی در این مقاله چابکروی اخلاقی و ارزشی مورد تاکید قرار داده است. توجه به فضایل اخلاقی اگر با چابکی و چالاکي همراه شود زمینه‌های کشش به رذایل را کم می‌سازد.

"داستان کودک مجروح" که در دوازده بیت در تالی مقاله شانزدهم آمده است تمثیل استنادی است برای آخرین بیت مقاله.

دشمن دانا که غم جان بود- بهتر از آن دوست که نادان بود (9) نظامی در این داستان معتقد است که تصمیم عقلایی تحت هر شرایطی قابل احترام است حتی اگر از جانب شخص دشمن سر بزند.

نظامی در تالی داستان به دو اصل مهم تاکید دارد: همنشینی و همنشین.

همنشینی به این معنی است که انسان فطرتاً اجتماعی خلق شده است و نبود همنشین و مصاحب کمبود زندگی به حساب می‌آید و تنهایی و انزوا به بار می‌آورد و در نتیجه افسردگی و پریشانی را در پی خواهد داشت.

همنشین همان مصاحب و دوست که عنصر اصلی در تحقق زندگی اجتماعی است. نظامی اعتقاد دارد همنشینی که انتخاب می‌شود باید از خرد و دانایی برخوردار باشد.

مقاله هفدهم

مقاله هفدهم در شصت‌وچهار بیت با عنوان "در پرستش و تجرید" سروده شده است. نظامی در این مقاله نوع انسان را به دلیل غفلت از خدا که در نتیجه علاقه‌های دنیوی دارد مذمت می‌کند. در سرتاسر مقاله انسان را به ترک تعلقات فراخوانده و ارزش و شرافت وی را گوشزد کرده است.

نیاز به پرستش به عنوان نیاز اساسی و فطری انسان در مقاله مورد تاکید قرار گرفته است. نظامی انسان را ناگزیر از پرستش می‌داند و برای دوری از انحراف در مسیر پرستش که همواره در طول تاریخ انسان گرفتار این انحرافات بوده است ترک تعلقات دنیوی را پیشنهاد داده است. و پرهیز از علایق دنیوی را هر چند کار بسیار سختی است ارزش و شرافت انسانی تعریف می‌کند.

نکته: در داخل این مقاله داستانی در دو بیت سروده شده که کوچک‌ترین داستان مخزن‌الاسرار به شما می‌آید:

کوسه کم ریش دلی داشت تنگ- ریش کشان دید دو کس را به جنگ/گفت: رخم گرچه زبانی فش است- ایمنم از ریش کشان هم خوش است (9)

داستان "پیر و مرید" در شانزده بیت در تالی این مقاله آمده و آخرین بیت مقاله را توضیح می‌دهد:

یار مساعد به گه ناخوشی - دام کشی کرد نه دامن کشی (9) نظامی در این داستان بر تعهد پایدار در مراودات دوستی و فراز و نشیب زندگی تأکید دارد. از بین شاخص‌های مختلف یک دوست خوب، نظامی به شاخص حمایت‌گری تأکید می‌ورزد. حمایت‌گری به معنای کمک، پشتیبانی و همراهی در شرایط سخت و مشکلات زندگی یا یاری رساندن در هدف‌های پیش رو است.

مقاله هیجدهم

مقاله هیجدهم در سی بیت با عنوان "در نکوهش دورویان" سروده شده است. نظامی در این سروده از انواع رفتارهای افراد متقلب و دورو پرده‌برداری کرده و به مخاطب خود شیوه‌های صحیح مراوده را می‌آموزد.

به اولویت تاکید می‌کند. در این داستان دارایی مالی بر اعتماد به نفس فردی در تصمیم‌گیری تاثیر گذاشته است.

مقاله بیستم

مقاله بیستم در چهل و چهار بیت با عنوان "در وقاحت ابنای عصر" سروده شده است. نظامی در بیت‌های آغازین با خطاب به خود به صورت ضمنی به مذمت نوع بشر می‌پردازد که گرفتار دام این دنیا شده است. بعد از بیت یازده اشاره به بی‌وفایی، هنر دزدی، ریاضت‌نمایی و مردم‌آزاری معاصران خود اشاره کرده است.

در تالی این مقاله داستان "بلبل با باز" در پانزده بیت سروده شده است. این سروده تمثیل استنادی برای آخرین بیت مقاله:

گر پری از دانش، خاموش باش- ترک زبان گوی و همه گوش باش (9)

نظامی در این داستان خاموشی و کم‌حرفی باز شکاری را عامل اعتلای منزلت و مقام وی دانسته است.

تاثیر سخن و منبع آگاهی

مشکلات زیاده‌گویی

در فحوای کلام نظامی مخصوصاً در داستان تالی، بحث ارزشمندی مطرح است هرچند در خود مقاله مستقیماً به شایستگی خود نپرداخته است ولی قرینه موجود در داستان تالی مخصوصاً بیت آخر کلان استعاره مفهومی ارزشمندی را مطرح می‌سازد.

طرح مشکلات رفتاری از افراد جامعه در مقاله بیستم بظاهر یک ترسیم وضعیت جامعه شناختی است ولی بیت آخر این مقاله و داستان تالی که آن بیت را تفسیر می‌کند مخصوصاً آخرین بیت آن، استعاره مفهومی ارزشمندی را مسلم می‌کند.

احساس ارزشمندی همان شایستگی قابل احترامی است که فرد نسبت به خود دارد. این حس اگر مستقل از قضاوت دیگران باشد ارزشمندی به حساب می‌آید و اگر این احساس، به تایید دیگران وابسته شود فرد در دام و تله‌ای گرفتار می‌شود که امنیت روانی اش آسیب می‌بیند همچنین اگر این ارزشمندی، به تمجید و تفضیح

دورویی همان انحراف و ناهمخوانی رفتارهای فرد با حقایق ذهنی و درونی وی است. درجه این ناهمخوانی وزن دورویی فرد را مشخص می‌کند.

داستان جمشید و خاصگی محرم که در چهل و نه بیت سروده شده آخرین بیت مقاله را استناد تمثیلی کرده است.

تا نشناسی گهر یار خویش- یاوه مکن گوهر اسرار خویش (9)

نظامی در اوایل داستان خیلی حکیمانه به مشکلات و سختی‌های رازداری و محرم شدن اشاره می‌کند و تا پایان داستان به مخاطب نوعی خود رازداری و محاسن رعایت و معایب عدم رعایت آن تعلیم می‌دهد. رازداری یکی از پایه‌های مهم و تاثیرگذار دوستی است. مدت و کیفیت روابط دوستی به اعتماد و رازداری طرفین بستگی دارد.

مقاله نوزدهم

مقاله نوزدهم در پنجاه و پنج بیت با عنوان "در استقبال آخرت" سروده شده است. نظامی در این سروده بر دشمنی و فریبکاری دشمن تأکید کرده و مخاطب خود را به تمهید و آمادگی آخرت فراخوانده است. فریب همان وانمود دروغین و آمادگی همان توانایی موردنیاز فردی است برای انجام کار یا رسیدن به هدفی که در پیش رو دارد.

داستان هارون‌الرشید و حلاق در بیست و شش بیت برای تفسیر آخرین بیت مقاله سروده شده است:

چون فلکم بر سر گنج است پای- لاجرم سخت بلند است جای (9)

نظامی گنج‌های نقش موثر پشتیبان در تولید قدرت برای تصمیم‌گیری را مورد تأکید قرار داده است.

تصمیم‌گیری همان انتخاب از بین گزینه‌هاست و معمولاً از بین این گزینه‌ها مواردی در اولویت قرار می‌گیرد که جزو ترجیحات ذهنی و باورهای ارزشی انتخاب‌کننده باشد. نظامی در تالی مقاله بر نقش عنصر تصمیم‌ساز به عنوان محرک اصلی در تبدیل گزینه

مورد مربوط می‌شود به مسائل آفرینش، دو مورد مربوط است به اعتبار و فضیلت موجودات، دو مورد به عدل و انصاف فردی و حکومتی ربط دارد و دو مورد آخر در مورد بی‌وفایی دنیا و ترک مئونات آن صحبت می‌کند.

گفتمان غالب نظامی در مخزن‌الاسرار اخلاقی است؛ پانزده مورد از مقالات با نقش تحریری- اقناعی و کارکرد اجباری برای تقویت عقلانیت اخلاقی در دل ایدئولوژی دینی بدون اینکه نقدی متوجه مشروعیت نظام بکند سروده شده است. سه مورد از مقالات اخلاقی- انتقادی است با نقش تحریری- اقناعی و کارکرد اخلاقی- اصلاحی توأم با حفظ مشروعیت نظام. مقاله شماره چهار تنها مقاله انتقادی است که با نقش تحریری- اقناعی و کارکرد انتقادی در جهت تقویت عقلانیت انتقادی در دل ایدئولوژی دینی قرار دارد و مشروعیت نظام تدبیر را مورد نقد قرار می‌دهد.

نظامی در مخزن‌الاسرار با کاربست بیشترین فراوانی از نقش مزدوج تحریری- اقناعی و کارکرد اجبار گفتمانی (عاری از خشونت) سعی در تقویت عقلانیت اخلاقی در دل ایدئولوژی دینی در جهت توسعه مشروعیت و تحکیم قدرت دارد.

وی با گفتمان اخلاقی مخاطب خود را به دگرذیسی اهداف، عمق فهم و سبک دینی- اخلاقی زندگی فرامی‌خواند. در تولید اندیشه به لایه‌های درونی فرایند فهم دقت دارد و در صدور حکم بیشتر رویکرد آمرانگی و سختگیری اتخاذ می‌کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The present study is situated at the intersection of classical Persian literature and contemporary critical discourse analysis, aiming to reassess the ethical, ideological, and

دیگران وابسته شود و از استقلال بیافتد این دام و تله مورد انتظار است و آسیب به امنیت روانی حتمی است.

بدون گفتمان

مقاله پانزدهم جنبه شخصی دارد و از بعد، نقش و کارکرد گفتمانی برخوردار نیست.

مقاله پانزدهم

مقاله پانزدهم با عنوان "در نکوهش رشکبران" در چهل و یک بیت سروده شده است. نظامی در ظاهر الفاظ به موضوع رشک و حسد اشاره نکرده و در حوزه مجاز به رقیبان حسود خود تافته است فقط در بیت پانزدهم، مجازگویی به حقیقت بدل شده و لحن صراحت به خود گرفته است. حکیم گنجه برای رعایت ادب در بقیه ابیات به رجحان و برتری جوان بر پیر پرداخته و به صورت ضمنی در نکوهش رشکبران پیر قلم زده است.

در تالی مقاله پانزدهم، داستان "ملکزاده پیر با دشمنان جوان" در نوزده بیت برای تفسیر آخرین بیت مقاله آمده است:

هر که نه بر حکم وی اقرار کرد- چرخ سرش بر سر انکار کرد
(9)

نظامی با این بیت و طرح داستانی که برای تفسیر آن بیت می‌کند خیلی حکیمانه ریشه‌کنی معاندان خود را مورد طلب قرار داده است.

نتیجه‌گیری

از مجموع بیست مقاله موجود در مخزن‌الاسرار؛ ده مقاله آن محتوای توصیه‌ای دارد؛ پنج مورد با رویکرد ایجابی و تشویقی و پنج مورد با رویکرد سلبی و انتقادی. از ده مورد باقیمانده؛ چهار

power-related dimensions of Nezami Ganjavi's *Makhzan al-Asrar* through the theoretical framework proposed by Norman Fairclough. Classical Persian poets historically functioned not merely as aesthetic creators but as authoritative social actors who shaped

collective rationality, ethical norms, and political consciousness. From early tribal societies to more structured religious and philosophical systems, poets played a decisive role in constructing paradigms of development, morality, and governance. Historical evidence suggests that poets often enjoyed privileged social positions and, in some cases, directly influenced political decision-making, ethical regulation, and cultural continuity (1, 2). Within this tradition, Nezami Ganjavi occupies a distinctive position as a poet who, while not overtly aligned with political authority, exercised profound influence on moral reasoning and ideological formation. Azerbaijani poets such as Nezami, Khaghani, and Qatran contributed significantly to the production of intellectual and ethical paradigms without necessarily engaging in direct political opposition or holding formal power (3). This study departs from purely literary or stylistic readings and instead conceptualizes *Makhzan al-Asrar* as a discursive field in which rationality, ideology, and power interact, thereby allowing for a systematic evaluation of Nezami's stance toward domination, legitimacy, and social awareness.

Methodologically, the research adopts qualitative content analysis as its principal approach, consistent with established traditions in interpretive and discourse-oriented research. Content analysis is understood here as a rigorous qualitative method that derives knowledge primarily

through the systematic examination of verbal data, close textual reading, and analytical induction (4). The analytical framework is grounded in Fairclough's model of critical discourse analysis, which conceptualizes discourse across three interrelated levels: description (textual features), interpretation (processes of production and reception), and explanation (discursive practice as part of broader social and power relations). Fairclough emphasizes that discourse analysis should extend beyond sentence-level linguistic structures to encompass intertextuality, social context, and power dynamics, particularly in relation to domination and resistance (5). Central to this framework is the assumption that texts are not autonomous entities but are embedded within socio-cultural contexts that shape their production and interpretation. The present study focuses specifically on the explanatory level of discourse, where texts are examined as components of social struggle and power relations, in order to determine whether *Makhzan al-Asrar* functions as a site of resistance to domination or as a mechanism for reinforcing ethical rationality within an existing ideological order (6).

Makhzan al-Asrar is a didactic, ethical, and partially mystical masnavi consisting of approximately 2,260 couplets, composed in the ramal meter and dedicated to Fakhr al-Din Bahram Shah of Erzincan. Structurally, the work can be divided into three major sections: traditional introductory passages such as

invocations and praises; mystical and introspective reflections on the heart, solitude, and spiritual discipline; and a series of twenty articles accompanied by illustrative narratives that convey ethical and religious teachings (7, 8). These articles constitute the primary corpus of analysis in the present study. Each article articulates a specific moral or philosophical theme and is frequently followed by a narrative that exemplifies or reinforces the preceding argument. Nezami's discursive strategy relies heavily on persuasion, moral exhortation, and ethical instruction, often framed within a religious worldview that prioritizes humility, justice, self-discipline, and accountability before God. The study systematically categorizes the articles according to their dominant discursive roles (persuasive, instructional, emotional) and functions (coercive, legitimizing, corrective, or critical), thereby enabling a nuanced assessment of their ideological orientation.

The findings indicate that the dominant discourse in *Makhzan al-Asrar* is ethical rather than overtly political or oppositional. Out of the twenty articles analyzed, fifteen primarily function to reinforce moral rationality within a religious ideological framework, employing persuasive and instructional discourse with a coercive yet non-violent function. These articles emphasize personal virtue, self-regulation, social responsibility, and spiritual preparedness without directly challenging the legitimacy of the ruling order. Three articles can be classified as ethical-reformative,

wherein Nezami introduces mild critique aimed at correcting moral deviations while still preserving the overall legitimacy of governance structures. Only one article, the fourth, exhibits a distinctly critical discourse that questions the performance and moral responsibility of rulers, particularly with regard to justice and the treatment of the weak, thereby approaching what Fairclough would identify as a discourse of social critique (5). One article is largely personal in nature and lacks a discernible social or political discursive function. Throughout the text, Nezami's narratives—such as the stories of unjust rulers, humble laborers, ascetics, and marginalized figures—serve as illustrative devices that translate abstract ethical principles into concrete social scenarios (9).

At the explanatory level of analysis, the study demonstrates that Nezami's engagement with power and domination is indirect and largely mediated through ethical instruction rather than explicit resistance. While Fairclough conceptualizes critical discourse analysis as a tool for exposing and challenging socio-exploitative relations, Nezami's discourse operates primarily within the boundaries of a religious-moral ideology that seeks to humanize power rather than dismantle it. Justice, compassion toward the weak, restraint in authority, and moral accountability are recurrent themes, yet they are framed as virtues that strengthen the moral legitimacy of governance rather than as instruments for radical critique. In this sense, *Makhzan al-*

Asrar contributes to the reproduction of ideological stability by cultivating ethical rationality among both rulers and subjects. The frequent use of paired persuasive–instructional discourse roles and coercive moral functions suggests a deliberate strategy aimed at shaping conduct and belief through internalized ethical norms, rather than through confrontation or subversion (6). Nezami’s discourse thus aligns more closely with moral reformism than with critical resistance.

In conclusion, the analysis reveals that *Makhzan al-Asrar* is best understood as an ethical-discursive project that prioritizes moral transformation over political opposition. Nezami Ganjavi employs discourse to cultivate ethical rationality within a religious ideological framework, encouraging self-discipline, justice, humility, and social responsibility while largely refraining from questioning the foundational legitimacy of power structures. Although moments of critique emerge—most notably in discussions of justice and the ruler–subject relationship—the overarching function of the text is to reinforce moral order and ideological coherence rather than to generate sustained resistance to domination. Consequently, within Fairclough’s triadic model, Nezami’s discourse operates predominantly at a level that supports ethical awareness and moral regulation, contributing to social cohesion and the consolidation of authority through internalized values rather than through explicit contestation.

References

1. Zarrinkoub A. Introduction to Literary Criticism. Tehran: Sokhan; 1995.
2. Eslami Nodoushan MA. The World-Viewing Cup (Jam-e Jahan-bin). Tehran: Jami; 1991.
3. Sarvat M. The Treasury of Wisdom in Nizami’s Works. Tehran: Amirkabir; 1991.
4. Gall J, Gall M, Borg W. Educational Research: An Introduction. Tehran: SAMT; 2003.
5. Fairclough N. Critical Discourse Analysis. Tehran: Center for Media Studies and Research; 2000.
6. Yarmohammadi L. Common and Critical Discourse Analysis. Tehran: Hermes Publications; 2009.
7. Sarvatian B. Thoughts of Nizami Ganjavi. Tabriz: Aydin; 1997.
8. Forghani MM. The Long Road of Transition. Tehran: Farhang va Andisheh; 2003.
9. Nizami Ganjavi EbY. *Makhzan al-Asrar* (The Treasury of Secrets). Tehran: Qatreh; 1997.